



## فهرست

پیشگفتار	۱
رمون شواب	در باب اندیشه اسطوره‌ای در جهان عرب و اسلام بسیار اندک
اساطیر در ادبیات (کهن) شرق	۶
ژوزف شلهود	سراخ کرد، از سر و فراهم آوردن محضره‌ای از مقالات در آن
ساختارهای اندیشه اسطوره‌ای اعراب	۲۵
توفیق فهد	در باب نگارش یافته است و گرچه مستقیماً به حوزه اسطوره‌شناسی
فقدان اسطوره و آئین	۶۰
توفیق فهد	در باب آما از نوبت اسطوره کهن در ادب شرقی کهن سخن
تعبیر خواب در اسلام	۶۵
یادداشت مترجم	۶۶
آغاز دانش خوابگزاری در اسلام	۶۹
نتیجه	کمی رنگ بعضی از آن‌ها را در اسلام ردگیری کنند. پس از آن گزارش
دانش و ادبیات خوابگزاری	۹۸
جلال ستاری	برای شناخت اندیشه‌های دینی و اساطیری
اسطوره و قصه از منظر عالم‌المثال	۱۰۴
	است ولی از این منظر کمتر مورد توجه بوده است و جدا دارد که

داده است که متفکر چینی، گمنام است و به زعم دورم (Dhorme)، شعر عبری، «چندان محصول نبوغ فرد نیست، بلکه بیشتر حاصل واقعیتهای اجتماعی است» (*la Poésie hébraïque*).

این اعتقاد که شاهکارهای نویسندگان آسیایی، بیشتر مرهون استمرار و پیوستگی و همانندی است تا گسست و ناپیوستگی و استثنا، به هیچوجه اهانت به آسیا نیست. بیگمان در شکوه و شکایت فردوسی از بیداد و در ناله و زاری سعدی و یا هر آدم بی‌قرار و آرام از کوتاهی و زودگذری شادی‌ها و در ضجّه ایوب بر زخم‌هایش، نیش دردی شخصی هم هست و حتی اگر مشاجرات پربار فرزانه‌گانی که در باب ودانتا بحث و منازعه می‌کنند، امضاء کسی را ندارد تا معلوم شود از کیست، معهذای جای، تأثیر تجارب زندگانی شخصی را در آنها احساس می‌کنیم و بنابراین غیرشخصی‌ترین نظام‌های فکری جهان نیز چیزی جز اعتراف نیست؛ اما اعترافی کمابیش مستقیم و کمابیش ناشی از خودپسندی، زیرا شیوه و رسم عمومی نویسنده شرقی در برافکندن نقاب و عیان کردن ماجرای خویش، نشان از اینکه نمونه و سرمشقی بی‌همتا است، ندارد و دالّ بر نخوت و تفرعنی ضدّ اقران نیست. بی‌تردید باید راست قامتان از میان انبوه خلق، سربرآورند و مردی برجسته، آثار بزرگ بیافرینند؛ اما واقعیت این است که در شرق، نبوغ با داشتن طبع و قریحه گسستن از اقران و یا نژاد و مکتب و اثر رایج و شیوه و سبک (مرسوم)، به اثبات نمی‌رسد. نشانی که از هر نویسنده به جا می‌ماند، در تنه بزرگ بی‌سری، به درازای اعصار و قرون، جذب می‌شود و همه خصائص فردی در سرگذشت چیزی یگانه، می‌گدازند.

اینکه بگوئیم شرق، نویسنده ندارد، بلکه فقط ادبیات دارد، سخنی کاملاً راست و درست نیست اما از عکس چنان سخنی، کمتر نادرست

رمون شواب<sup>۱</sup>

## اساطیر در ادبیات (کهن) شرق

اخیراً در یکی از دانشگاه‌های انگلستان، این موضوع مورد بحث قرار گرفت: «آنچه واقعیت دارد، کتاب است نه ادبیات» که اگر غرب فقط به یاد آورد که تنها او کتاب پدید نیاورده است، شوخی‌ای نپذیرفتنی است. اما این موضوع به حق، نمودار تقدیر غرب است، تقدیری که غرب را بر آن داشت تا فقط زندگینامه بنویسد و یا بدتر از آن، زندگینامه خود نبشت، زیرا شرح حال و تراژدی و رمان و اعتراف‌نامه و داستان و نقد، به رغم هر طرح و برنامه‌ای که نویسنده داشته است، عموماً چیزی جز ستایش فرد نیست. ازینرو این انواع ادبی، بسی دیر هنگام و به گونه‌ای سطحی، شرق را که در آن خطّه، هیچ اعتقاد جزمی به پیشرفت، موجب بت‌پرستی و ستایش بعضی مردم بسان صنم نشد، وسوسه کرد: گرانه (Granet)<sup>۲</sup> نشان

1- Raymond Schwab, *Histoire des littératures*, I, Pléiade, 1955, p.172-183.

عنوان اصلی مقاله Les Mythologies است.  
۲- مارسل گرانه، چین‌شناس نامدار فرانسوی (۱۹۴۰-۱۸۸۴) م.